payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۶۱۳
چهارشنبه ۳۱/ اردیبهشت/ ۱۳۹۹
۲۶/ رمضان/ ۱۴۴۱
20 / May/ 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کریم طباطبائی نژاد، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۳۸۳-۳۲۵۳۴۴۳۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۸۹۷۸۶۷۳۹-۰۲۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

قاصدک

یک یارِ عاشقانه

دیشب به چشم حافظ گفتم غم جهان را
گفتا بفکر خود باش، کم خور غم جهان را

گفتم قرون شد از حد، غم در درون سینه
گفتا به نزد محبوب، بفرستند این زبان را

گفتم که سالیانی ست، در رنج و حسرت هستم
گفتا غمت نباشد، می داند او نهان را

گفتم که آرزوها دقن است در درونم
گفتا مکن شکایت، بگزین که او همان را

گفتم که کی سرآید این قصه غم انگیز
گفتا که در طریقت بس کن دگر فغان را

گفتم که این غم من پایان ندارد آیا؟
گفتا که عاشقی کن، بگشای بال جان را

گفتم که پیش رویم مُبهم شدست و تاریک
گفتا به خود بپرداز، دریاب این زمان را

گفتم نصیحتی کن، آرامشی بگیرم
گفتا که نام او گو، شیرین کن این دهان را

حرص و حسد رها کن، برگیر از خیرات
یک یارِ عاشقانه، یک مشت آب و نان را

رعنا یغموری

خبرچه

ادامه ساز و آوازهای برخط

با ادامه محدودیت‌های کرونایی هنرمندان موسیقی بیش از پیش به برگزاری کنسرت آنلاین توجه نشان می‌دهند. پس از برگزاری کنسرت‌هایی که در روزهای فروردین امسال به‌صورت زنده در قاب صفحات مجازی برای دوستداران این هنر پخش شد و با ادامه تعطیلی سالن‌ها و ممنوعیت‌های ناشی از شیوع بیماری کرونا، بار دیگر موجی از کنسرت‌های آنلاین به راه افتاده است و این بار هنرمندان مطرحی همچون کیهان کلهر و همایون شجریان برای دوستداران هنر موسیقی به‌صورت زنده و از راه دور اجرا خواهند کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، کیهان کلهر با نواختن سه تار برای مخاطبان خود در سراسر جهان، به وعده خود به هواداران عمل کرده و علاقه‌مندان موسیقی می‌توانند این اجرا را از طریق دو پلت‌فرم به‌صورت همزمان و زنده در سراسر جهان تماشا کنند. او پنج‌شنبه شب (اول خردادماه) با تکنوازی سه تار به‌صورت زنده از طریق فضای مجازی مهمان خانه‌های مخاطبان جهانی خود خواهد بود.

این اجرا که احتمال می‌رود به‌صورت بداهه‌نوازی باشد، همزمان از اکاف اینستاگرام کیهان کلهر و دانشگاه استنفورد آمریکا پخش خواهد شد.

پیش از این قرار بود شنبه ۲۵ فروردین، اجرایی به‌صورت زنده با اعضای گروه جاده ابریشم به‌صورت مجازی و نقاط مختلف جهان شکل گیرد که کلهر امکان انجام این کار را نداشت. از این رو یکی از اجرایی را که چند روز پیش به‌صورت پست در این صفحه منتشر شده بود در اختیار جاده ابریشم قرار داد تا دیگر مخاطبان از طریق آدرس‌های داده شده آن را ببینند. این هنرمند در همان شب با انتشار اطلاعیه‌ای در فضای مجازی وعده داد که به زودی از طریق فضای مجازی برای مخاطبان خود در سراسر جهان که در پی شیوع بیماری کرونا خانه‌نشینی، گزینه خردمندانه آنها نشسته است، تار خواهد نواخت.

همچنین همایون شجریان خواننده موسیقی ایرانی همزمان با فرا رسیدن عید سعید فطر کنسرت آنلاینی را برگزار می‌کند. این کنسرت با همراهی ارکستر مجلسی تهران و به رهبری بردیا کیارس ساعت ۲۱ روز یکشنبه چهارم خرداد ماه در تالار وحدت تهران روی صحنه می‌رود و از طریق صفحه مجازی لنز برای مخاطبان نمایش داده خواهد شد.

در این کنسرت آنلاین که به گفته برگزارکنندگانش یکی از بزرگ‌ترین کنسرت‌های آنلاین کشور خواهد بود، قطعاتی منتخب از آلبوم‌های «سیم‌وصل» و «باستارهما» به آهنگسازی و تنظیم محمد جواد ضرابیان و سینا جهان آبادی از محل تالار وحدت به‌صورت آنلاین اجرا می‌شود.

تاکنون کیوان ساکت وحید تاج، گروه روستاک، سامان احتشامی، علی زندوکیلی و پرواز همای کنسرت‌های آنلاینی را در تالار وحدت تهران برگزار کرده بودند.

خط ۴۲۱

امروز با حافظ

بزن در پرده چنگ ای ماه مطرب
رگش بخراش تا بخروشم از وی
گل از خلوت به باغ آورد مسند
بساط زهد همچون غنچه کن طی

خوش

رسوا منم و گرنه تو صد بار در دلم
رفتی و آمدی و کسی را خبر نشد

نظیری نیشابوری

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۱۹	۰۵:۵۹	۱۳:۰۲	۲۰:۰۷	۲۰:۲۶

برگه

ذهن های بزرگ درباره ایده ها بحث می کنند، ذهن های معمولی درباره رخدادها، ذهن های کوچک درباره افراد.

النور روزولت

یادداشت

انسان خود جهانی بی انتها (بخش آخر)

علیرضا مهررور- در این دوره از حیات تمامی جوامع و ملل و انسا نها فعل درست را از نادرست تشخیص داده و هر فرد به راحتی نسبت به افعال نادرست و درست دارای معرفت است. پس انسان این عصر بر اثر شعور، فهم و قدرت درک فکری که بر اثر تکامل به مرور خود در کنار پیدایش و کشف و رشد تکنولوژی پیدا کرده به هیچ وجه نیازمند مربی و رهنما نسبت به این امور زیستی جزئی موجود در ساحت حیات خود نیست.

حال آیا در این عصراز زندگی انسان با وجود عالمای متعدد در زمینه‌ها و رشته های گوناگون علوم انسانی از معنویت گرفته تا روانشناسی و غیره و وجود دانشمندان و پروفسورها و متخصصان و دکترهای گوناگون در تمام زمینه ها و رشته های گوناگون علوم مختلف و بودن شبکه های رسانه ای جهانی همچون اینترنت فضاهای سایبری، ماهواره ها، تلویزیون و رادیو و شبکه های تلفن همراه و دیگر ابزار تکنولوژی و وجود علوم پیشرفته ی فیزیولوژیکی و محیط زیستی و بیولوژیکی و شناخت ذرات ریز اتمی و کوانتمی و شناخت و تجزیه ی انرژی های

گوناگون و خلق ارتباطات مختلف با تمام این انرژی ها که یک وحدت ایدئولوژیکی جهانی نیز را برای انسان این عصر پیش آورده است جایی برای پرداختن به مسائل جزئی هست؟

طی سالیان متمادی در فرهنگ ها و تمدن های گوناگون بشری به کرات برخی مسائل تکرار و به صورت های گوناگون بیان شده و به شکل های گوناگون مکتوب نیز است مثل دروغ نگفتن، عدم تعدی به حقوق دیگران، رعایت حق الناس، کمک به مستضعفان و موارد ی از این دست.

به گمان نگارنده این موارد را می توان با اختصاص زیرساخت های فرهنگی در یک جامعه به راحتی به نسل جدید آن جامعه که کودکان هستند منتقل کرد. آموزش ها را نهادینه ساخت و فرهنگ سازی کرد. چرا که برای انسان های بالغ و صاحب شعور و درک و فهم کامل تکرار کردن این مسائل و آموختن و تلقین این امور رفتاری جایز نیست.

اگر نیک و صادقانه بنگریم و بیاندیشیم، در این عصر به نوعی تمام ابزارهای تکنولوژی و تمامی رشته های هنری و علمی در این دوره از حیات بشری که دارای خصوصیت وحدت افکاری و رسانگی و پیام‌رسانی هستند.

به عبارتی نباید این نکته را فراموش کرد که وجود انسان در این دوره از حیات آفرینش و هستی با تمام انسان های ادوار گذشته بر اثر دگردیسی، دگرگونی، پیشرفت و تکامل نظام هستی بسیار متفاوت است و دارای یک جایگاه و خصوصیت خاصی از معرفت و آگاهی ست؛ هم نسبت به وجود خویش و هم نسبت به جهانی که در آن قرار دارد.

موضوع بسیار مهم در این عصر از زندگی بشر همین موضوع هدایت یافتن و تعریف و تأویلاتی ست از رستگاری و رسیدن به یک چکاد رحمت؛ هم از نظر معنوی و هم از نظر جهان مادی که دو جنبه اصلی حیات انسانی محسوب می‌شوند.

سوال بایقی این است که چگونه می توان برای بشر در این دوره با تمام آگاهی و پیشرفتی که از هر نظر علمی و روانشناختی و غیره تاکنون داشته است رستگاری معنوی و مادی تعریف کرد و به اجرا درآورد؟

تلنگر

تفریح و روابط غیر کاری با رئیس؛ درست یا غلط؟

مشاور عزیز، من در یک شرکت کوچک غیرانتفاعی کار می‌کنم. برای واحد ما یک سرپرست جدید آورده‌اند به نام «جین». او دوست‌داشتنی است اما کنار آمدن با سبک مدیریت او واقعا سخت است. در هر چیزی دخالت می‌کند و همه تصمیم‌ها را خودش می‌گیرد. البته مشکل اصلی این نیست. مشکل این است که جین با چند تا از کارمندهای واحدهای دیگر، عضو یک تیم بولینگ هستند که صرفا جنبه سرگرمی دارد.

او تصمیم گرفته من و لنا هم به آنها بپیوندیم. حس می‌کنم او فکر می‌کند وقت گذراندن با ما خارج از محل کار، باعث کاهش تنش‌ها در محل کار می‌شود من موافق نیستم. قبول دارم که باید خودم را با سبک مدیریت او وفق دهم، اما روی این قضیه کار می‌کنم و سعی می‌کنم با آن کنار بیایم. اگر شرایط، طور دیگری بود، احتمالا دوست‌های خوبی می‌شدیم، چون همه مارتنی همسن و سال هستیم، با علایق مشابه. اما من دوست ندارم مجبور باشم هر هفته با رئیسم فعالیت اجتماعی داشته باشم.

حالا در محل کار ما همه دارند درباره بولینگ حرف می‌زنند؛ «چقدر کیف داد. شما دو تا که برمی‌گردید؟ کارتان عالی بود. عجب تیم خوبی بودیم. تیم به شما نیاز دارد. خیلی خوب است که با یچه‌های واحدهای دیگر معاشرت کنیم.» لنا کاملا با آنها موافق است و دوست دارد هر هفته برود اما او بچه دارد و کلی سرش شلوغ است. من مودبانه نشان دادم که تمایل ندارم و چهار هفته است که بهانه‌تراشی می‌کنم حتی صراحتا گفتم بعد از کار، خیلی خستهام (که البته دروغ هم نگفتم)، سعی کردم به آنها قول ندهم و نگویم: «دفعه بعد!» و حتی در ساعات کاری، با جین خوش و بش کردم که فکر نکند از او متنفرم، گرچه این گفت‌وگوها حواسم را از کارم پرت می‌کند.

می‌ترسم اگر با صراحت بیشتری، نشان دهم که تمایلی به دوستی ندارم، رابطه‌مان از اینکه هست سردتر شود. اما دلم می‌خواهد خودش این را بفهمد. دوستی، رابطه کاری را گرم و نمی‌کند، فقط پیچیدهاش می‌کند. شنیدن انتقاد از رئیس، مثل «فرمت ایمیل‌ها را کاملا اشتباه می‌زنی» به هر حال ناخوشایند است و اینکه با او به بولینگ بروم، باعث نمی‌شود خوشایند شود. راستش، من ترجیح می‌دهم ایمیل‌ها را دقیقا همان طور که رئیس سختگیرم می‌خواهد قالبیندی کنم، اما بعد به خانه بروم. آیا من غیرمنطقی هستم؟ بقیه آدم‌ها با رئیسشان معاشرت غیرکاری ندارند. درست است؟ یا اشتباه می‌کنم؟ آیا ساختن رئیس در یک شرایط خنثی، روابط کاری را بهتر می‌کند؟ آیا باید کنار بیایم و هر از گاهی به بولینگ بروم؟

پاسخ: دوست عزیز، البته که برقراری رابطه دوستانه با همکاران و شناخت یکدیگر در یک فضای غیررسمی می‌تواند مفید باشد. اما رئیس تو دارد این کار را اشتباه انجام می‌دهد.

اولا، هیچ مدیری حق ندارد کارکنان را وادار به معاشرت خارج از محل کار کند. ایرادی ندارد اگر فرصت‌های سرگرم‌کننده‌ای فراهم کند که کارمندها به هم نزدیک شوند. اما این باید داوطلبانه باشد و مدیران باید بدانند که خوش گذراندن، یک تعریف دقیق ندارد و همیشه آدم‌هایی هستند که ممکن است نخواهند در تفریحات شما شرکت کنند. آنها همچنین باید یادشان باشد که نباید جایگاه قدرت رئیس در برابر کارمند، باعث نگرانی کارمند بشود و یا خودش بگوید «آیا اصلی می‌توانم نه بگویم، بدون اینکه شغلم به خطر بیفتد؟» بنابراین، مدیران هنگام دعوت کارکنان به فعالیت‌هایی از این دست باید دقت کنند.

آنها همچنین باید حد و مرزهای بین خود و کارمندشان را بشناسند. مدیر و کارمند قطعا می‌توانند رابطه گرم و دوستانه داشته باشند، اما نمی‌توانند دوست باشند. به خصوص وقتی که کار مدیر، ارزیابی عملکرد کارمند و تصمیم‌گیری‌هایی است که ممکن است روی امرار معاش کارمند، تاثیر بگذارد. کمتر کسی دوست دارد از فردی انتقاد بشنود که با او بیرون می‌رود و کمتر مدیری پیدا می‌شود که در چنین شرایطی بتواند به دوستی به کارمندش بازخورد دهد. اما، هیچ کدام از اینها به این معنی نیست که جین نباید از شما دعوت می‌کرد به تیم بولینگش بپیوندید. او فقط نباید به شما فشار بیاورد که حتما بروید. او ظاهرا آدم سمجی است. سیگنال‌هایی که به او می‌دهی را نمی‌فهمد و این واقعا روی اعصاب است. وقتی می‌گویی «بعد از کار، خستهام و می‌خواهم به خانه بروم» کاملا مشخص است که دوست نداری با آنها بروی. اما مشکل او از آن آدم‌هایی است که پیام‌های غیرمستقیم را درک نمی‌کند و شاید اگر مستقیما به او بگویی «علاقه ندارم» به نظرت احترام بگذارد. از آنجا که رویکرد غیرمستقیم تا حالا جواب نداده، پس باید بروی سراغ جواب‌های مستقیم، مثل: «من زیاد اهل بولینگ نیستم، ولی مرسی که گفتید.» یا «از یاد مایل بودید، هرماه، یکی دو ساعت دور هم جمع شویم.» یا جملاتی از این قبیل وقتی حرفت را صریحا گفتی، اگر او همچنان به صحبت درباره بولینگ ادامه داد، می‌توانی نشنیده بگیری یک بعد دیگر این ماجرا نیز مربوط می‌شود به حس تو. گفتی حس می‌کنی جین تصور می‌کند معاشرت غیرکاری می‌تواند رابطه کاریتان را بهبود دهد. اما نگفتی چه چیزی باعث می‌شود چنین حسی داشته باشی. پس من حدس می‌زنم که او این را مستقیما نگفته است. اگر حدسم درست است، به نظرم می‌توانی با خوشرویی، دعوتش به بولینگ را رد کنی و در محیط کار با او رفتار دوستانه داشته باشی. دقت کن! «دوستانه»، نه اینکه با او «دوست» باشی. اما اگر حس کردی مشکل همچنان وجود دارد، با او تعداد درخواست‌هایش بیشتر شد، بگو: «ممنون که به این برنامه‌ها دعوتم می‌کنید، اما من معمولا بعد از کار، در دسترس نیستم. البته مشتاقم که یک دورهمی یا برنامه دیگری با بچه‌ها داشته باشیم.» می‌دانم که قبلا گفتی معمولا بعد از کار خستهای اما باید حرفت را کاملا مستقیم و شفاف بزنی.

آیا آشنایی بیشتر با رئیس، تنش در محل کار را کمتر می‌کند؟ بله. گاهی می‌کند. اما حتما لازم نیست برای برقراری ارتباط دوستانه با رئیس، فعالیت‌های غیرکاری در خارج از محیط کار انجام دهی. راه‌های دیگری هم هست که بتوانی با رئیست در «محل کار» رابطه دوستانه برقرار کنی و این کاملا قابل درک است که نخواهی وقتت را با مدیری بگذرانی که زیادی در کارهایت دخالت می‌کند. اما اگر خیلی مخالف این فعالیت‌ها نیستی، بد نیست که برای ارتقای کیفیت زندگی شغلی‌ات، گاهی این دعوت‌ها را بپذیری. به امتحانش می‌ارزد. شاید اگر با هم راحت‌تر شوید، رابطه کاریتان هم آسان‌تر شود. اگر هم نشد، می‌توانی حد و مرزهایت را مشخص کنی، بدون آنکه ذره‌ای شک داشته باشی.

نویسنده: الیسون گرین
مترجم: مریم مرادخانی

خبر

کارمندان توییتر «برای همیشه» دور کار شدند

جک دورسی، مدیر عامل اجرایی توییتر اعلام کرد کارمندان این شرکت می‌توانند «تا ابد» حتی پس از رفتن تهدید کرونا هم از خانه کار کنند و دور کار باشند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از گاردین، یکی از سخنگویان توییتر روز سه‌شنبه از ارسال ایمیلی به تمام کارکنان شرکت خبر داد که به آنها اجازه می‌دهد پس از پایان یافتن دوران شیوع کرونا هم همچنان در خانه بمانند و وظایف و مسئولیت‌هایشان را از راه دور انجام بدهند. توییتر از نخستین شرکت‌هایی بود که با پیدا شدن بیماری کووید-۱۹ کارکنانش را دورکار کرد و حالا به نظر نمی‌رسد در بازگرداندن کارمندان به محل کار هم پیشقدم باشد.

بر اساس آنچه در بیانیه توییتر آمده، چند ماه گذشته آشکارا به همگان نشان داد می‌توان از راه دور هم کار کرد. تاکید بر تمرکززدایی و حمایت از پراکندگی نیروی کار با توانایی کار کردن از هر نقطه از ویژگی‌های منحصر به فرد توییتر در دوران شیوع کرونا بود و حالا مدیران شرکت تصمیم گرفته‌اند تمام کسانی که می‌توانند از خانه وظایف خود را به سرانجام برسانند، همچنان تا هر زمان که دوست دارند به دورکاری ادامه بدهند.

ترغیب به دورکاری در دوم ماه مارس بین کارمندان توییتر آغاز و این روند از ۱۱ مارس اجباری شد. کارمندانی که همچنان کار کردن از راه دور را ترجیح می‌دهند، می‌توانند به همان روش پیشین کار را پیش ببرند و کسانی که دوست دارند مانند دوران پیش از شیوع کرونا به محل کار بروند، دست‌کم باید تا ماه سپتامبر منتظر بمانند.

دیگر شرکت‌های بزرگ دنیای فناوری هم بسان توییتر راه دورکاری را پیش گرفته‌اند. گوگل و فیس‌بوک اعلام کردند دورکاری دست‌کم تا سال آینده میلادی ادامه می‌یابد و آمازون سیاست دورکاری کارمندانش را تا اوایل اکتبر ۲۰۲۰ تمدید کرد. دفتر مرکزی توییتر در سان فرانسیسکو قرار دارد که ۱۹۷۴ مورد بیمار مبتلا به کرونا در آن شناسایی شده‌اند.

جک دورسی ۴۳ ساله و مدیر عامل توییتر حدود چهار میلیارد دلار ثروت شخصی دارد. او چند هفته پیش یک میلیارد دلار از دارایی خود را به مبارزه با ویروس کرونا، یافتن واکسن و داروی آن و حمایت از قربانیان کووید-۱۹ اختصاص داد.

پرونده جراید

نجف در یابندری خودساختهٔ فرهیخته

شرق، احمد سمیعی گیلانی- با درگذشت نجف دریابندری، چند سال عقیم آخر عمر او پایان یافت. در این سال‌ها، او درخت میوهٔ پُربَاری بود که شاخ و برگ و جلوهٔ نیاتی دارد اما نه شکوفه در آن به چشم می‌خورد نه میوه‌ای به بار می‌آورد. حواس پنج‌گانه‌اش برسرِ جاست؛ می‌بیند، می‌شنود، می‌چشد، می‌سود؛ فقط از سخن گفتن محروم است یا بهتر بگوییم پرهیز دارد.

نجف در ایام خجستهٔ تندرستی با قوّت و حدّت تمام در کار بود. باصره و سامعه و ذایقه‌اش در حساسیت کم‌نظیر بود، فعال و بیدار بود. شامه‌ای تیز و ذایقه‌ای حساس داشت. دور و نزدیک، روشن و مه‌آلود را می‌دید. آن‌هم نه دیدن عادی که به دیدهٔ صورتگر نهان‌بین، طعم خورنی‌ها و آشامیدنی‌ها را همچون آشپزی کارکشته بازمی‌شناخت. صدایش رسا بود و در گفتار حق کلمات را ادا می‌کرد. طنین صدایش در فضای گسترده و فراخ می‌پیچید. حاصل کارکرد این حواس در طراحی‌های او، در تصویر چهره‌ها و نشان دادن خصایص و حرکات آنها، در آشپزی، در آموختن از راه گوش، در سخن گفتن و سخن آفرینِ القصه در سراسر حیات مادی و معنوی به صراحت و وضوح تمام جلوه‌گر می‌شد. نجف در بهره‌جویی از حواس پنج‌گانه سخاوتمند و از امساک به دور بود. می‌توان گفت از این حیث مظهر اتمّ استفاده از این حواس به حیث شالودهٔ فراورده‌های قلمی و رقمی خود بود.

نجف دانشگاه‌دیده نبود البته بی‌دانشگاه هم نبود: دانشگاه او افواهِ رجال بود. از هر مرجعی در این راه بهره می‌جست، باقی مجالس درس خاتگی و محفلی می‌شد. از استادانی چون محجوب و محمدرضا حکیمی، از شرکت‌کنندگان در دوره‌های دوستانه، از همکاران مراکز انتشاراتی و مطبوعاتی در حوزه‌های متنوع دانش و ادب و فرهنگ خوراک آن هم خوراکِ تازه از تنور و آجاق درآمده می‌گرفت. گیرنده و اخذکننده و هضم‌کننده‌ای قهار بود. آنی از ایام تعلم و تلمذ را در اخذ آنچه پسند خاطرش نبود و به کارش نمی‌آمد صرف نمی‌کرد. آنچه برمی‌گزید و می‌گرفت به میل و رغبت بود. حتی در ترجمه، به ندرت از فرهنگ و لغت‌نامه و واژه‌نامه استفاده می‌کرد. هرگاه به اصطلاح یا واژه‌ای کلیدی برمی‌خورد که با آن آشنایی نداشت از اهلش می‌پرسید. یادم است در انتشارات فرانکلین با من تماس تلفنی گرفت و معنای لفظ فرانسهٔ «Conçu» را پرسید. من یکی از معالی آن - «دریافت‌شده»- را گفتم. گفت به یافت مطلب نمی‌خورد؛ سخن از تولد یکی از مشاهیر است در عبارتِ «Conçu entre deux guerre». ناصر پاکدامن دم دست بود. برای اطمینان پرسش را به او منتقل کردم. گفت در این عبارت به معنی «لطفه‌بسته» است و به کسانی اطلاق می‌شود که نطفه‌شان در فاصلهٔ جنگ بین‌الملل و جنگ جهانی بسته شده و متولد شده‌اند؛ اصطلاحی است رایج و شایع. و همین را به نجف منتقل کردم.

نجف، علاوه بر این مواهب، در هضم مکتسبات و استفادهٔ به‌جا و بموقع از آنها، حضور ذهن و استعداد شگرفی داشت. سنجیده، گزیده و درخور مقام، درست در بافت مناسب آنها را می‌نشاند. خوانده و آموختهٔ خود را تا درست هضم و از آنِ خود نمی‌کرد در کار نمی‌آورد. ترجمه‌هایش همه یاب روز و حتی از جهاتی ضروری روز بود و طبعاً مکرر در مکرر به چاپ می‌رسید. در معرفی برخی از نویسندگان و متفکران به جامعهٔ ادبی و علمی و فرهنگی ما فضل تقدم داشت. نمونه‌هایی از آنند همینگوی، برتراند راسل، کازوئوایشی‌گورو، نویسندهٔ بازماندهٔ روز.

زیانش حرف نداشت. در مقاله‌ای با عنوانِ «دریابندری است و زیانش»، از آن به شرح یاد کردم که در دفتر دوم گلنگشت‌های ادبی و زبانی بازچاپ شده و در دسترس است.

نجف می‌توان گفت همه‌چیزش را خودش انتخاب می‌کرد و انتخابش کارشناسانه بود. او نمی‌گذاشت، از این در، چیزی به او تحمیل شود. پوشاک و خوراک، حلقهٔ دوستان و همنشینان، معلمان، مصاحبان، خانه و کاشانه و لوازم آن، حتی کاغذ و قطع و طرح برونی و درونی آثار چاپی خود را به‌رأسه اختیار می‌کرد. فراورده‌های قلمی سرتاپا گزیده و گاه ساخته و پرداختهٔ خود او بود. این فراورده‌ها نمودار ذوق و سلیقهٔ خود او بود.

نجف، خصیصه‌ای و نادره‌ای داشت که نظیرش را بس دشوار می‌توان سراغ گرفت. متعارف این است که اهل قلم یا جزءنگر و درپند مصادیق باشند و یا طبعاً اهل تجرید و انتزاع و متمایل به عقلانی و فلسفی اندیشیدن. اما در نجف این هردو جمع و همنشین بودند. او هم توجه تام به مصادیق و واقعیات ملموس داشت و هم به امور عقلانی و انتزاعی متمایل بود. در همهٔ مظاهر حیات معنوی خود از جمله در نقد آثار ضوابط عقلانی را معیار سنجش و اختیار می‌ساخت.

باری، با درگذشت نجف دریابندری، جامعهٔ فکری و ذوقی، چهره‌ای شاخص و چه بسا جانشین‌ناپذیر را از دست داد. آثار بازمانده از او تنها پاره‌ای از خصایص برجسته‌اش را نشان می‌دهند نه همهٔ آنها را.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان- در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS